

سارکوئیدوز به دنبال tattoo: گزارش یک بیمار

دکتر مصطفی میرشمسم شاهجهانی^۱، دکتر مریم غیاثی^۲

۱-دانشیار، ۲-دستیار، گروه پوست، دانشگاه علوم پزشکی تهران

در ۰٪ تا ۳۵٪ موارد سارکوئیدوز سیستمیک در گیری پوستی وجود دارد. یکی از نشانه‌های ناشایع پوستی سارکوئیدوز، ایجاد گرانولوم در محل tattoo است که گاهی به تنها ی و گاهی همراه با علایم دیگر سارکوئیدوز دیده می‌شود. در اینجا یک مورد سارکوئیدوز گزارش می‌شود که ظاهر آن ندول پوستی در محل tattoo همراه با فلچ عصب صورتی (facial) بزرگی پاروتید و یوئیت بود.

واژه‌های کلیدی: سارکوئیدوز، پوست، خال‌کوبی، گرانولوم

فصلنامه بیماری‌های پوست ۱۳۸۴، دوره ۸ (۵) ضمیمه ۱: ۶۹-۷۲

وصول مقاله: ۱۶/۵/۳۱ پذیرش: ۱۶/۷/۷

نمونه‌گیری شد. در بررسی آسیب‌شناسی، گرانولوم‌های هیستیوپاتی غیرکازیفیه با سلول اپی تلیوئید فراوان دیده شد که به نفع سارکوئیدوز بود (تصویرشماره ۲). بیمار علایم عمومی مثل تب و کاهش وزن را ذکر نمی‌کرد. نتیجه تست توپرکولین منفی بود. فرمول شمارش خون بیمارطیعی، سطح کلسیم و فسفر سرم نرمال و سطح آنزیم angiotensin converting enzyme (ACE) سرم بالاتر از حد نرمال بود (۵۴ با محدوده نرمال ۵۲ تا ۵۲). در سی تی اسکن ریه یافته غیرطیعی دیده نشد. با تشخیص سارکوئیدوز، تریامسینولون، به درون ضایعه‌های پوستی با فاصله ۴ هفته دوبار تزریق شد که ضایعه‌ها پاسخ بسیار خوبی به این درمان دادند و اکثر ندول‌ها کاملاً محو شدند.

بحث

سارکوئیدوز برای اولین بار در سال ۱۸۸۹ توسط

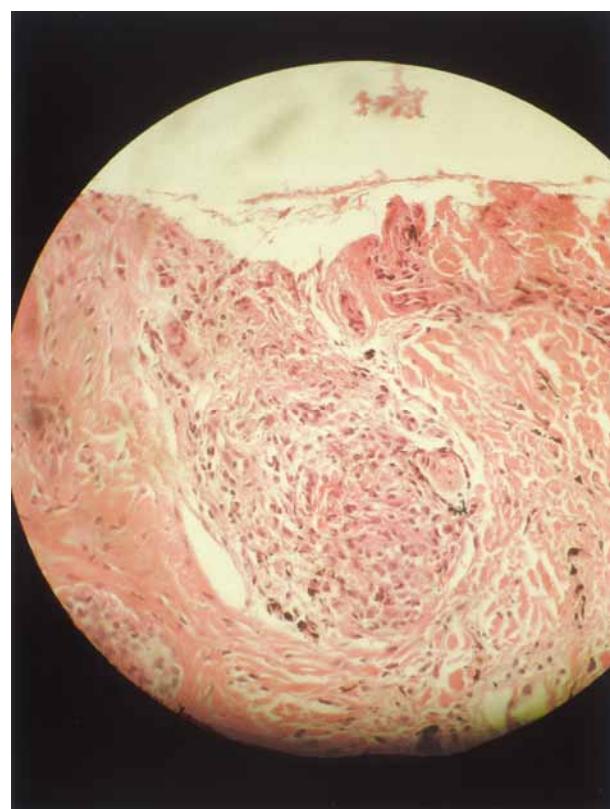
معرفی بیمار

بیمار خانم ۳۶ ساله‌ای است که به علت ایجاد پاپولهایی در محل tattoo ابروها به بیمارستان رازی مراجعه کرد. وی یک سال قبل از مراجعه هر دو ابرو را tattoo کرده بود و در ۶ ماه اول پس از tattoo هیچ مشکلی نداشته است. ۶ ماه پس از tattoo به دنبال کشیدن دندان، دچار فلچ عصب صورتی سمت چپ شد. بررسی‌های انجام شده در آن زمان علته را برای فلچ عصب صورتی مشخص نکرد. ۱ ماه پس از آن بیمار دچار تورم پاروتید دو طرفه همراه با تاری دید در چشم چپ شد. این علایم بیمار حدود ۲ ماه طول کشیده است و در طی آن ۲ ماه بیمار تحت درمان با استرتوئید سیستمیک همراه با چندین دوره آنتی بیوتیک سیستمیک قرار گرفت. پس از ۲ ماه تورم پاروتید، تاری دید و فلچ عصب صورتی کاملاً برطرف شد. هم زمان با برطرف شدن این علایم، ندول‌های متعدد بنفس رنگ با قوام سفت در محل tattoo ابروها به وجود آمد (تصویرشماره ۱). از یکی از این ندول‌ها

مؤلف مسؤول: دکتر مصطفی میرشمسم شاهجهانی - تهران، میدان وحدت اسلامی، بیمارستان رازی



تصویر شماره ۱- ندول های متعدد در محل tattoo ابروها



تصویر شماره ۲ - گرانولوم هیستیوسیتی غیر کازیفیه (رنگ آمیزی هماتوکسیلین - اوزین، بزرگنمایی ۱۰۰ برابر)

tattoo حتی می‌تواند باعث مثبت شدن Kveim test شود(۳).

علت واکنش سارکوئیدال در محل tattoo هنوز از زمان اولین گزارش آن در سال ۱۹۳۹ توسط Madden مشخص نشده است(۲). از آن زمان تاکنون موارد زیادی از گرانولوم‌های سارکوئیدال در محل tattoo به عنوان ظاهر سارکوئیدوز سیستمیک گزارش شده است (۱۰-۸ و ۶۰) که بعضی از موارد آن‌ها به محل یک رنگ محدود و بعضی دیگر نواحی رنگ‌های مختلف را در گیر کرده بودند. tattoo به عنوان علامت سارکوئیدوز سیستمیک متفاوت از اسکار سارکوئید است چرا که در یک گزارش از ۲۰۰ بیمار مبتلا به سارکوئیدوز سیستمیک واکنش سارکوئیدال در محل اسکارها در مراحل دیررس سارکوئیدوز سیستمیک دیده شده است در حالی که در غالب موارد گزارش شده ایجاد گرانولوم در محل tattoo اولین علامت سارکوئیدوز سیستمیک در بیماران بوده است(۷). در گزارش‌های متعددی که از ایجاد گرانولوم در محل tattoo به عنوان علامت سارکوئیدوز سیستمیک وجود دارد شایع‌ترین ارگانی که اغلب علاوه بر پوست در گیر می‌شود ریه است که در گیری آن می‌تواند به صورت لنفادنوباتی ناف ریه (۸۹) یا در گیری پارانشیم ریه باشد(۱۰).

در بیماری که در این گزارش مطرح شد برخلاف اکثر مواردی که تاکنون گزارش شده است در گیری ریه وجود نداشت ولی علاوه بر ایجاد گرانولوم سارکوئیدال، در محل tattoo ابروها سابقه فلچ عصب صورتی، بزرگی پاروتید و یوئیت احتمالی و افزایش سطح ACE سرم وجود داشت که می‌توان مجموعه این علائم را در ارتباط با سارکوئیدوز بیمار در نظر گرفت.

Besnier گرانولوم‌هایی اپی تلیوئید غیرکازائفیه در بافت‌ها و ارگان‌های مختلف بدن می‌شود(۲) و ممکن است هر ارگانی را در بدن گرفتار کند. هم چنین این بیماری می‌تواند سبب تضعیف یا از بین رفتن پاسخ تست توبرکولین و سایر تست‌های اینترادرمال و افزایش سطح گاما گلوبولین، کلسیم و سطح آنزیم ACE سرم شود(۳). سارکوئیدوز در خانم‌ها کمی شایع‌تر از آقایان است و معمولاً بین ۲۰ تا ۴۰ سالگی بروز می‌کند(۴). علایم بالینی سارکوئیدوز بسته به ارگان‌های در گیر بسیار متنوع است. یکی از شایع‌ترین ارگان‌های در گیر در این بیماری ریه است که گرفتاری آن می‌تواند به صورت لنفادنوباتی دو طرفه ناف ریه یا در گیری پارانشیم ریه بروز کند(۳). بین ۲۰٪ تا ۳۵٪ از بیماران مبتلا به سارکوئیدوز سیستمیک ضایعه‌های پوستی پیدا می‌کنند(۵). در گیری پوستی در سارکوئیدوز می‌تواند اشکال مختلفی از جمله آژنیولوپوئید، لوپوس پرنیو، اریتم ندوزوم، ضایعه‌های آنولر، پاپولر، ندلولر، اسکارسارکوئید، ≈ داشته باشد. هم چنین گاهی در سارکوئیدوز ظاهرهای غیرمعمولی نظیر آلوپسی، اریترودرمی، هیپوپیگماتاسیون و ایکتیوز دیده می‌شود(۳).

گزارش‌های متعددی از ایجاد گرانولوم‌های سارکوئیدال در واکنش به مواد خارجی وجود دارد که یکی از شایع‌ترین آن‌ها tattoo است. tattoo می‌تواند سبب ایجاد گرانولوم سارکوئیدال تنها در محل tattoo شود یا با سایر علایم سارکوئیدوز سیستمیک همراه باشد.

References

- 1-Besnier E. Lupus pernio de la face: synovitis fongueuses symetriques des extrimites superieures. Ann Dermatol Syphil 1892; 3: 447-49.
- 2-Antonovich DD, Callen JP. Development of sarcoidosis in cosmetic tattoos. Arch Dermatol 2005; 141: 918-19.
- 3-Gowkrodger DJ. Sarcoidosis. In: Burns J, Breathnach S, Cox N, Griffiths C (eds). Rook's text book of dermatology Oxford: Blackwell Sience, 2004: 58: 1-58.24.
- 4-O'driscoll JB, Beck MH, Lendon M, et al. Cutaneous presentation of sarcoid in an infant. Clin Exp Dermatol 1999; 15: 60-62.
- 5-Kerdel FA, Moschella SL. Sarcoidosis; an updated review. J Am Acad Dermatol 1084; 11: 1-19.
- 6-Papageorgiou PP, Hongcharu W, Chu AC. Systemic sarcoidosis presenting with multiple tattoo granulomas and an extra-tattoo cutaneous granuloma. J Eur Acad Dermatol Venereol 1999; 12: 51-53.
- 7-James DG, Neville E. Pathobiology of sarcoidosis. Pathobiol Ann 1977; 7: 31-61.
- 8-Geue HR, Giard RW, Jacobs FA, et al. Abnormalities in tattoo skin sometimes indication of sarcoidosis. Ned Tjschr Geneesk 2005; 149: 1113-17.
- 9-Jones MS, Maloney ME, Helm KF. Systemic sarcoidosis presenting in the black dye of a tattoo. Cutis 1997; 59: 113-15.
- 10-Collins P, Evans AT, Gray W, et al. Pulmonary sarcoidosis presenting as a granulomatous tattoo reaction. Br J Dermatol 1994; 130: 658-62.